



نگاهی به زندگانی و شخصیت حضرت عبدالعظیم حسنی / گفتار علما درباره حضرت

ستایشهایی که ائمه معصومین(ع) از وی به عمل آورده اند نشان دهنده شخصیت علمی و مورد اعتماد اوست امام هادی(ع) گاهی اشخاصی را سؤالی داشتند، راهنمایی می فرمودند که از حضرت عبدالعظیم الحسنی (ع) بپرسند.

ستایشهایی که ائمه معصومین(ع) از وی به عمل آورده اند نشان دهنده شخصیت علمی و مورد اعتماد اوست امام هادی(ع) گاهی اشخاصی را سؤالی داشتند، راهنمایی می فرمودند که از حضرت عبدالعظیم الحسنی (ع) بپرسند.

به گزارش خبرگزاری مهر، عبدالعظیم(ع) فرزند عبدالله بن علی، از نوادگان حضرت امامحسن مجتبی(ع) است و نسبش با چهار واسطه به آن حضرت می رسد. پدرش عبدالله نام داشت و مادرش فاطمه دختر عقبه بن قیس.

ولادت با سعادت حضرت عبدالعظیم (ع) در سال ۱۷۳ هجری قمری در شهر مقدس مدینه واقع شده است و مدت ۷۹ سال عمر با برکت او با دوران امامت چهار امام معصوم یعنی امام موسی کاظم (ع)، امام رضا علیه السلام، امام محمدتقی (ع) و امام علی التقی (ع) مقارن بوده، محضر مبارک امام رضا (ع)، امام محمد تقی (ع) و امام هادی (ع) را درک کرده و احادیث فراوانی از آنان روایت کرده است.

این فرزند حضرت پیامبر(ص) از آنجا که از نوادگان حضرت امام حسن مجتبی(ع) است به حسنی شهرت یافته است.

حضرت عبدالعظیم الحسنی(ع) از دانشمندان شیعه و از راویان حدیث ائمه معصومین علیهم السلام و از چهره های بارز و محبوب و مورد اعتماد، نزد اهل بیت عصمت علیهم السلام و پیروان آنان بود و در مسایل دین آگاه و به معارف مذهبی و احکام قرآن، شناخت و معرفتی وافر داشت.

ستایشهایی که ائمه معصومین(ع) از وی به عمل آورده اند، نشان دهنده شخصیت علمی و مورد اعتماد اوست؛ حضرت امام هادی(ع) گاهی اشخاصی را سؤال و مشکلی داشتند، راهنمایی می فرمودند که از حضرت عبدالعظیم الحسنی(ع) بپرسند و او را از دوستان حقیقی خویش می شمردند و معرفی می فرمودند.

در آثار علمای شیعه نیز، تعریفها و ستایشهای عظیمی درباره او به چشم می خورد، آنان از او به عنوان عابد، زاهد، پرهیزکار، ثقه، دارای اعتقاد نیک و صفای باطن و به عنوان محدثی عالیمقام و بزرگ یاد کرده اند؛ در روایات متعددی نیز برای زیارت حضرت عبدالعظیم(ع)، ثوابی همچون ثواب زیارت حضرت سید الشهدا، امام حسین(ع) بیان شده است.

زمینه های مهاجرت حضرت عبدالعظیم(ع) از مدینه به ری و سکونت در غربت را باید در اوضاع سیاسی و اجتماعی آن عصر جستجو کرد. خلفای عباسی نسبت به خاندان حضرت پیامبر(ص) و شیعیان ائمه(ع) بسیار سختگیری می کردند. یکی از بدرفتارترین این خلفاء متوکل بود که خصومت شدیدی با اهل بیت (علیهم السلام) داشت، و تنها در دوره او چندین بار مزار حضرت امام حسین(ع) را در کربلا تخریب و با خاک یکسان ساختند و از زیارت آن بزرگوار جلوگیری به عمل آوردند.

سادات و علویون در زمان او در بدترین وضع به سر می بردند. حضرت عبدالعظیم(ع) نیز از کینه و دشمنی خلفا در امان نبود و بارها تصمیم به قتل آن حضرت گرفتند و گزارشهای دروغ سخن چینان را بهانه این سختگیری ها قرار می دادند، در چنین دوران دشوار و سختی بود که حضرت عبدالعظیم (ع) به خدمت حضرت امام هادی (ع) رسید و عقاید دینی خود را بر آن حضرت عرضه کرد، حضرت امام هادی(ع) او را تأیید فرموده و فرمودند: تو از دوستان ما هستی.

دیدار حضرت عبدالعظیم(ع) در سامرا با حضرت امام هادی(ع) به خلیفه گزارش داده شد و دستور تعقیب و دستگیری وی صادر گشت. او نیز برای مصون ماندن از خطر، خود را از چشم مأموران پنهان می کرد و در شهرهای مختلف به صورت ناشناس رفت و آمد می کرد و شهر به شهر می گشت تا به ری رسید و آنجا را برای سکونت انتخاب کرد. علت این انتخاب به شرایط دینی و اجتماعی ری در آن دوره بر می گردد که وقتی اسلام به شهرهای مختلف کشور ما وارد گشت و مسلمانان در شهرهای مختلف ایران به اسلام گرویدند. از همان سالها ری یکی از مراکز مهم سکونت مسلمانان شد و اعتبار و موقعیت خاصی پیدا کرد. زیرا سرزمینی حاصلخیز و پر نعمت بود، عمر سعد هم به طمع ریاست یافتن بر ری در حادثه جانشوز کربلا، حضرت حسین بن علی(ع)

را به شهادت رساند. در ری هم اهل سنت و هم از پیروان اهل بیت (علیهم السّلام) زندگی می کردند و قسمت جنوبی و جنوب غربی شهر ری بیشتر محلّ سکونت شیعیان بود.

حضرت عبدالعظیم(ع) به صورت يك مسافر ناشناس، وارد ری شد و در محله ساربانان در کوی سكة الموالی به منزل یکی از شیعیان رفت، مدتی به همین صورت گذشت. او در زیرزمین آن خانه به سر می برد و کمتر خارج می شد، روزها را روزه می گرفت و شبها به عبادت و تهجد می پرداخت، تعداد کمی از شیعیان او را می شناختند و از حضورش در ری خبر داشتند و مخفیانه به زیارتش می شتافتند، اما می کوشیدند که این خبر فاش نشود و خطری جان حضرت را تهدید نکند.

پس از مدتی، افراد بیشتری حضرت عبدالعظیم(ع) را شناختند و خانه اش محلّ رفت و آمد شیعیان شد، نزد او می آمدند و از علوم و روایاتش بهره می گرفتند و عطر خاندان عصمت (علیهم السّلام) را از او می بوئیدند و او را یادگاری از امامان خویش می دانستند و پروانه وار گرد شمع وجودش طواف می کردند.

حضرت عبدالعظیم(ع) میان شیعیان شهرری بسیار ارجمند بود و پاسخگویی به مسایل شرعی و حلّ مشکلات مذهبی آنان را برعهده داشت. این تأکید، هم گویای مقام برجسته حضرت عبدالعظیم(ع) است و هم می رساند که وی از طرف حضرت امام هادی(ع) در آن منطقه، وکالت و نمایندگی داشته است. مردم سخن او را سخن امام(ع) می دانستند و در مسایل دینی و دنیوی، وجود او محور تجمع شیعیان و تمرکز هواداران اهل بیت (علیهم السّلام) بود.

روزهای پایانی عمر پربرکت حضرت عبدالعظیم(ع) با بیماری او همراه بود. آن قامت بلند ایمان و تلاش، به بستر افتاده بود و پیروان اهل بیت در آستانه محرومیت از وجود پربرکت این سید کریم قرار گرفته بودند. اندوه مصیبتهای پیاپی مردم و روزگار تلخ شیعیان در عصر حاکمیت عباسیان برایش دردی جانکاه و مضاعف بود. در همان روزها يك رویای صادقانه حوادث آینده را ترسیم کرد؛ یکی از شیعیان پاکدل ری، شبی حضرت رسول(ص) را در خواب دید. حضرت پیامبر اکرم(ص) به او فرمود: فردا یکی از فرزندانم در محله سكة المولی چشم از جهان فرو می بندد، شیعیان او را بر دوش گرفته به باغ عبدالجبار می برند و نزدیک درخت سیب به خاک می سپارند.

سحرگاه به باغ رفت تا آن باغ را از صاحبش بخرد و افتخار دفن شدن یکی از فرزندان پیامبر(ص) را نصیب خویش سازد، عبدالجبار که خود نیز خوابی همانند خواب او را دیده بود، به رمز و راز غیبی این دو خواب پی برد و برای اینکه در این افتخار، بهره ای داشته باشد، محلّ آن درخت سیب و مجموعه باغ را وقف کرد تا بزرگان و شیعیان در آنجا دفن شوند.

همان روز حضرت چشم از جهان فرو بست. خبر درگذشت این نواده رسول اکرم(ص) دهان به دهان گشت و مردم با خبر شدند و جامه های سیاه پوشیدند و بر در خانه حضرت عبدالعظیم الحسنی(ع) گریان و مویه کنان گرد آمدند. پیکر مطهر او را غسل دادند. به نقل برخی مورخان در هنگام غسل، در جیب پیراهن او کاغذی یافتند که نام و نسب خود را در آن نوشته بود. بر پیکر او نماز خواندند. تابوت او را بر دوش گرفتند و با جمعیت انبوه عزادار به سوی باغ عبدالجبار تشییع کردند و پیکر مطهرش را در کنار همان درخت سیب که رسول خدا(ص) به آن شخص اشاره کرده بود، دفن کردند تا پاره ای از عترت مصطفی(ص) در این باره به امانت بماند و نورافشانی کند و دلباختگان خاندان پیامبر(ص) از مزار این ولی خدا فیض ببرند.

فضائل حضرت عبدالعظیم (ع) از زبان ائمه(ع)

ابن قولویه در کامل الزیارات (باب ۱۰۷ صفحه ۳۲۴) از علین حسین ابن موسی بن بابویه و او از محمد ابن یحیی اشعری عطار قمی روایت کرده یکی از اهالی ری گفت بر حضرت ابوالحسن العسکری امام هادی(ع) وارد شدم آن جناب از من پرسید کجا بودی؟

عرض کردم به زیارت سیدالشهدا(ع) رفته بودم آن حضرت فرمود: بدان و آگاه باش اگر قبر عبدالعظیم حسنی(ع) را که در نزد شماسست زیارت کرده بودی مثل آن است که حضرت حسین بن علی را در کربلا زیارت کرده باشی.

گفتار علماء درباره حضرت عبدالعظیم(ع)

نجاشی در رجال خود حضرت عبدالعظیم(ع) را پس از ذکر شجره اش صاحب خطبه امیر المؤمنین(ع) ذکر نموده است. مرحوم میرزا حسین نوری محدث قرن اخیر در مستدرک الوسائل صفحه ۶۱۴ ذکر نام و معروفیت وی را به امانت و راستگویی و درستکاری و اهل زهد و عبادت بودن تأکید می نماید و از قول حضرت ابوالحسن الهادی(ع) پاداش زیارت او را بهشت می داند.

مرحوم کجوری در روح و ریحان از قول سید مرتضی علم الهدی حدیث عرض دین آن حضرت را نقل کرده است. مرحوم مجلسی در هدیه الزائرین ص ۵۴۶ از مزارات معلوم و مشهور، مرقد متور حضرت عبدالعظیم(ع) را در مقابل شجره ری ذکر می کند. شیخ الطائفه در رجال خود حضرت عبدالعظیم(ع) را از اصحاب امام هادی(ع) ذکر کرده و در پایان نام او را به رضی الله عنه یاد نموده که رضی الله عنه نزد اصحاب حدیث با اهمیت است. علامه حلی در خلاصه الاقوال، حضرت عبدالعظیم(ع) را جزء ثقات و ممدوحین ذکر کرده مرحوم صدوق(ره) در صفحه ۹۲ ثواب الاعمال از محاسن برقی حدیثی را از حضرت عبدالعظیم(ع) نقل کرده و صاحب محاسن او را رضی قلمداد نموده است.

مرحوم صدوق(ره) در من لا یحضره الفقیه کتاب صوم باب یوم الشک حدیثی را از قول حضرت عبدالعظیم(ع) نقل نموده و گفته این حدیث نادر است و من جز در طریق عبدالعظیم(ع) ندیده ام و او هم مرضی است، این گفتار نهایت اعتماد را می رساند.

محمد ابن علی اردبیلی در جامع الرواه گفتار شیخ طوسی(ره) و نجاشی را ذکر کرده است. مرحوم میرداماد رحمت الله علیه در راشحه خامسه از (رواشح السّماویه) گفته : واضح است که طریق عبدالعظیم حسنی(ع) مدفون در مسجد شجره ری (حسن) شمرده شود زیرا که اهل حدیث و علما رجال وی را مدح و توصیف و تمجید نموده اند. اگر چه در گفتار علما به توثیق او تصریح نشده است من معتقدم افراد روشن و بصیری که در حدیث تخصص داشته و در حالت رجال و محدثین مطالعات کافی دارند از اینکه تصریح به توثیق این محدث بزرگوار نشده اظهار ناراحتی می کنند و این سکوت را زشت می شمارند. مگر حضرت هادی(ع) به او نفرمود، تو به حق از دوستان ما هستی؟ این فرمایش امام(ع) جامع ترین تعریف درباره حضرت عبدالعظیم(ع) با در نظر گرفتن شرافت، نسب و عظمت خانوادگی اوست.

اکنون تمام اینها دلالت دارد که وی مردی شریف و بزرگوار خوش نفس و خوش عقیده بوده و اخباری که در زیارت او از امام علی التّقی(ع) رسیده و محدثین بزرگی چون صدوق(ره) و ابن قولویه(ره) آنها را در کتب خود ذکر کرده اند شاهد گویائی از مقام ارجمند وی در نزد معصومین (علیهم السّلام) است و گفتار دو عالم بزرگوار فوق الذکر کفایت می کند که طریق حضرت عبدالعظیم(ع) را در درجه عالی از صحت بدانیم و اخبار و احادیث منقول وی را در اعداد "صاح" بشماریم مرحوم شیخ عبدالله ممقانی در تنقیح المقال درباره حضرت عبدالعظیم(ع) سخن گفته، نوشته است علت عدم تصریح محدثین و فقها به توثیق ایشان جلالت و بزرگواری وی را ثقه ذکر کنند، زیرا مقام آن حضرت والاتر از ثقه می باشد. مرحوم شیخ عبّاس قمی(ره) در سفینه البحار گفتار صاحب بن عباد و بقیه علما را آورده و در مورد زیارت ایشان فضیلت زیادی را ذکر نموده است.

روایات حضرت عبدالعظیم(ع)

حضرت عبدالعظیم(ع) به عنوان یکی از محدثین مشهور، روایات متعددی را از معصومین(علیهم السّلام) نقل نموده است.

در این مقال به ذکر برخی از احادیث مذکور می پردازیم.

حضرت عبدالعظیم(ع) با چند واسطه از قول اسباط گوید: در خدمت حضرت امام صادق(ع) بودم. مردی از وی درباره آیه شریفه (ان فی ذلک لآیات للمتوسّمین... و انها لبسیل مقیم) سوال می کرد، راوی گفت: حضرت بدو فرمودند: مقصود از متوسّمین، ما هستیم و سیل مقیم نیز راهی است که ما آن را بپا داشته ایم، یعنی باید از طریق ما بروند تا به سر منزل مقصود برسند.

حضرت عبدالعظیم(ع) از امام رضا(ع) روایت کرده که آن جناب فرمود: سلام مرا به دوستانم برسان و به آنها بگو در دلهای خود از برای شیطان راهی باز نکنند و آنها را امر کن به راستگوئی در گفتار و ادای امانت و این عمل آنها موجب نزدیکی به من می شود.

حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) از حضرت جواد(ع)، ایشان از پدرش و او از جدّش روایت کرده که فرمود: از حضرت صادق(ع) شنیدم می فرمود: سرپیچی از فرمان و دستورات پدر و مادر از گناهان بزرگ است زیرا خداوند(عاق) را ستمگر و بدبخت معرفی فرموده و او را به سخت ترین عذابها وعده داده است.

حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) فرمود : به حضرت جواد(ع) عرض کردم، از پدرانت برای من حدیثی روایت فرما. حضرت فرمود: پدرم از جدش و او از پدرانش از حضرت امیر المومنین(ع) روایت کرده که فرمود: شما هرگز نمی توانید مردم را به وسیله ثروت و مالی که در دست دارید به خود متوجه سازید، بلکه آنان را به وسیله اخلاق و روش صحیح به خود نزدیک کنید. گوید عرض نمودم بیشتر بیان نمایید، فرمودند: بد توشه ای است برای روز قیامت دشمنی کردن با بندگان خدا... .

حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) فرمود، از حضرت ابوالحسن هادی(ع) شنیدم می فرمود: مقصود از (رحیم) از رحمت و آمرزش

دور شدن، و از درگاه خداوند رانده شدن مییابد (و او شیطان است) و هیچ مؤمنی او را به یاد نمی آورد مگر با لعن و نفرت.

حضرت عبدالعظیم الحسنی(ع) از حضرت امام جواد(ع) و او از پدرانش (علیهم السّلام) و آنها از حضرت امام سجّاد(ع) روایت فرمودند که: روزی سلمان فارسی، ابوذر غفاری را به خانه خود میهمان کرد و از میان انبان (کیسه)، تکه نان خشکی بیرون کشید و قدری آب بر آن پاشید. ابوذر گفت: چقدر خوب می شد که همراه نان، قدری نمک هم بود! سلمان برخاست و رفت و ظرف آب خود را گرو گذاشت و مقداری نمک تهیه کرد و آن را در مقابل ابوذر گذارد، ابوذر از آن نمک به آن نان می پاشید و میل می کرد و می گفت: خداوند را سپاسگزارم که ما را تا این اندازه قناعت روزی فرموده: سلمان گفت «اگر قناعت در کار بود، ظرف آب به گرو نمی رفت».

حضرت عبدالعظیم(ع) می فرماید: روزی به خدمت حضرت امام محمد تقی(ع) رسیدم و این گفتار دلنشین را از امام شنیدم که فرمود: "ملاقاته الاخوان نشره و تلقیح للعقل و ان کان نظراً قليلاً دیدار دوستان آرامش و سلامت عقل را در پی دارد، اگر چه دیداری کوتاه باشد.

روزی حضرت امام رضا (ع) رو به حضرت عبدالعظیم (ع) فرمود و چند توصیه راهگشای اخلاقی به او آموخت تا به شیعیان و یاران ابلاغ کند. متن فرمایش چنین بود: ای عبدالعظیم، سلام مرا به دوستان برسان و به آنها بگو:

* شیطان را به دلهای خویش راه ندهند.

* درگفتار خویش، راستگو باشند و امانت را ادا کنند.

* از جدال و نزاع بیهوده ای که سودی برایشان ندارد دوری کنند و خاموشی را پیشه خود سازند.

* به همدیگر روی آورند و به دیدار و ملاقات هم بروند «فان ذلک قربه الی» زیرا اینکار موجب نزدیکی به من است.

* آنان خود را به دشمنی و بدگویی با یکدیگر مشغول نسازند، زیرا با خود عهد کرده ام که اگر کسی چنین کاری انجام دهد و دوستی از دوستانم را ناراحت کند یا به خشم آورد، خداوند را بخوانم تا او را در دنیا با شدیدترین عذابها مجازات کند و در آن سرا نیز از زیانکاران خواهد بود.

* به ایشان بگو: همانا پروردگار نیکوکارانشان را آمرزیده و از خطای گنهکارانشان درگذشته است، مگر کسانی که به خدا شرک ورزیده یا دوستی از دوستانم را آزرده، یا کینه آنها را با دل بگیرد. بدرستی که خداوند او را نخواهد بخشید تا آنکه از کردار ناشایست خویش دست بکشد، هر گاه از این اعمال نادرست دوری گزیند، آمرزش خدا را شامل خود گردانیده است و گرنه، روح ایمان از قلبش بیرون رفته و از ولایت ما خارج گشته است و بهره ای از ولایت ما نخواهد برد «و اعوذبک من ذلک»

روزی حضرت عبدالعظیم (ع) از حضرت امام هادی (ع) شنید که فرمود: همانا پروردگار، ابراهیم را دوست خود گرفت، زیرا که او بر حضرت محمد (ص) و اهل بیتش علیهم السّلام بسیار صلوات می فرستاد.

حضرت عبدالعظیم (ع) می فرماید: روزی در محضر مبارک امام جواد (ع) بودم. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا (ص) حدیثی از پدران بزرگوارت علیهم السّلام برای من روایت فرمائید. حضرت امام جواد (ع) فرمود: پدرم (ع) از جدّم (ع) و او از پدرانش علیهم السّلام و آنان از حضرت امیرمؤمنان (ع) روایت کرده اند که فرمود:

* هر کس خود را بی نیاز بداند (در امور مهم بدون مشورت عمل کند) خود را درخطر افکنده است.

* هر کس در دام خودبینی افتاد، نابود خواهد شد.

* هر کس یقین کند آنچه را می دهد عوض دارد هرگز در بخشش و احسان کوتاهی نخواهد کرد.

حضرت عبدالعظیم (ع) روایت فرماید که حضرت امام جواد (ع) فرمود: که وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب (ع) فرمود: ارزش هر کس به اندازه اعمال نیکوی اوست.

حضرت امام محمّد باقر (ع) به محمّد بن مسلم فرمود: مردم تو را گول زنند، زیرا که مسئولیت کارهای تو، به خودت متوجّه

است و به آنها ارتباط ندارد، ایامِ عمرت را به کارهای بیهوده نگذران، روزهای زندگی را به چون و چرا به هدر مده، زیرا همراه تو کسانی هستند که کارهای روزانه تو را محاسبه و یادداشت می کنند. اگر عمل نیکی را انجام دادی، گرچه کوچک باشد، حقیر مشمار، برای اینکه آن را خواهی دید در جایی که تو را خشنود سازد، و اگر کار بدی انجام دادی، آن را نیز کوچک مشمار زیرا که به تو خواهد رسید در هنگامی که تو را بدحال سازد، و نیکی کن، بدرستی که من چیزی را ندیدم که انسان را از زودتر به مقصد رساند از عمل خوب تازه ای که در مقابل گناه کهنه ای انجام دهد.

حضرت عبدالعظیم(ع) روایت فرماید که روزی به وجود مقدس حضرت امام جواد (ع) عرض کردم : ای فرزند رسول خدا(ص) حدیثی از پدران بزرگوارت علیهم السلام برای من روایت فرمائید.

حضرت امام جواد(ع) از قول پدر و جد و از وجود مقدس حضرت امیر المؤمنین علیهم السلام روایت فرمود که :

المرء مخبوءٌ تحت لسانه.

دانش و شخصیت هر کس در زیر زبانش مخفی است.

ما هلك امرء عرف قدره.

هر کس قدر خود را بشناسد، هلاک نمی شود.

التدبير قبل العمل يومنك من التدم

تدبیر و اندیشیدن پیش از انجام هر کار، تو را از پشیمانی نکه می دارد.